

روزنامه "پیکار" -
تاریخ ۱۳۰۲
پاریس

الیکارشی پا

خاندانهای حکومتگرایان

خاندان فیروز

مظفر فیروز

- ۱۳ -

سیاست چیست از رنگی به یک رنگ دیگر گشتن
«مظفر» سوی مسکورفتن و «فیروز» برگشتن
باستانی پاریزی

نقشه‌های تجزیه طلبانه !

همین که باروی کار آمدن رژیم آرا ، مظفر فیروز خود را در یک قدمی
مسند پیروزی یافت ، در برابر حریم امنیت شمال به سیاست تجزیه طلبانه
جنوب دست زد . با نقشه پنهانی (آلان ترات Alan Trott) رفیق
دیرین مظفر کسی که با کمک او سید ضیاء از فلسطین راهی ایران شد و مستر
چکینز کنسول انگلیس در شیراز ناگهان توفان سیاه امپریالیسم همه
جای جنوب را درخود پیچید .

مفکر متفکر به ظاهر این نهضت فتح الله حیات داودی پسر حیدر خان داودی
عامل شناخته شده استعمار در جنگ جهانی اول (۱) بود، ولی در
پشت پرده بازیگر اصلی فمایش جنوب مظفر فیروز بود (۲) قوام که چون

۱- اسرار نهضت جنوب ، ب ، برای آگاهی بیشتر از ماهیت وریشه
های خارجی این نهضت، کتاب نگارنده (تاریخ سیاه یا حکومت خانوادها در ایران
جلد ۲) دیده شود .

۲- دلیران تنگستان صفحه ۱۵۹

مکسی پاهایش در حلویات قدرت طلبی پرداخت شده فیروز گیر کرده بود و هر چه قدر می کوشید خود را برهاند بیشتر گرفتار می شد، سیاست نرزش با سران نهضت را پیش گرفت هیأتی برای مذاکره به فارس فرستاد ولی مظفر به وسیله سر لشکر رزم آرا سیاست ستیزه گرایانه شدید جنگی پیش گرفت تا کار دولت را فلج کند.

کار رزم آرا در این مورد حساس شده بود او با این سیاست خواست از چند سو بهره برداری کند و با توجیحات گوناگون موقعیت حساس خود را استوار سازد؛ در درجه اول خواست نشان دهد یک سرباز منضبط نسبت به مقامات عالی نظامی است، با هر گونه عملیات ماجراجویانه خوانین و متنفذان سر- سپرده به شدت می جنگد بنابراین سیاست چپ گرایانه او نباید مورد نگرانی باشد و ضمناً خواست برتری خصائل نظامی و استعداد فرماندهی خود را نشان دهد و در درجه سوم کمونیست ها را بیشتر اغوا کند که این سیاست خشن ضد استعماری او فقط به خاطر جلب رضایت و پیشبرد انقلاب و حسن اجرای نقشه های بعدیست تا کودتای سرخ به خوبی انجام گیرد و پیش از عمل نیروهای ارتجاعی سرکوب شده باشد.

به همین جهت می بینیم با این عمل رزم آرا کمونیست ها از خوشحالی در پوست نمی گنجند سرکوبی ارتجاع را آرزوی دیرین کمونیسم در تحقق انقلاب توده ها می دانند و رزم آرا را به خاطر این کارها می ستایند رزم آرا نیز از سیاست جانبداری آنان سپاسگزاری می کند (۱).

ولی در برابر حریم امنیت شمال نهضت فارس بسنده نبود ازین رو می بینیم زمره استقلال خوزستان و مناطق نفت خیز به تدریج شنیده می شود. رادیوهای بیروت و لندن و روزنامه های تازی وضع منطقه عرب نشین ایران را مطرح می کنند، دامنه آنها به موضوع خودمختاری این مناطق می کشانند. روزنامه «النداء» چاپ بغداد بیش از دیگران برای استقلال خوزستان یقه درانی می کند به دنبال این اقدامات «موفر» آخرین نسل یک خاندان متنفذ و قدیمی جنوب با نمایندگان عشایر عرب به تهران می آید تا در مورد خواست های محلی این مردم با دولت گفتگو کند.

ولی طبق نقشه حساس شده، در تهران به آنان بی اعتنائی می شود از مسئولان امر کسی آنان را نمی پذیرد. ابراهیم خواجه نوری در مکتوب روز خود در

اینمورد چنین می نویسد: «اعراب و عشایر خوزستان و حزب سعادت به راهنمایی موقر نزد نخست وزیر می آیند و سپس می خواهند با مظفر تماس بگیرند هیچ - کدام آنان را نمی پذیرند در نتیجه با خیالات خود مختاری به خوزستان بر - می گردند (۱) .

نمایندگان جنوب بعد از ناامیدی از ملاقات قوام و فیروز می گویند :
(ما می رویم تا مانند پیشه وری به تهران بیائیم .)

يك سياستمدار وطنخواه در چنین روزهای توفانی و آنتریکان هرگز با هموطنان رنجیده و آزرده خاطر و احیاناً تحریک شده چنین رفتار نسنجیده نمی کند مگر اینکه قصدی داشته باشد . از عصبانیت آنان بهره جویی سیاسی کند . خوزستان آن روزها برای استعمار منطقه حساس بود؛ اندکی پیش از این « شیخ صاحب » پسر « شیخ خزعل » با یکصد و پنجاه نفر پست ژاندارمری « فلیه » را اشغال می کند و هفده قبضه اسلحه به دست می آورد (۱) .

به دنبال بازگشت نمایندگان خوزستان رادیوهای خارجی بالحن زننده و آشوبگرانه اعلام می دارند عشایر خوزستان یادداشتی برای دبیر خانه اتحادیه عرب فرستاده و در آن از خواستهای خود و بی اعتنایی اولیای دولت ایران گفتگو کرده اند .

بعد از اینکه کار بدینجا کشید حضرت والا برای اجرای نقشه خود به آبادان می رود بازداشت شدگان اعتصاب کارگری ! را آزاد می کند تا در نقشه های بعدی بتوانند فعالانه عمل کنند .

به نوشته روزنامه « داد » در همین روزها يك هزار و شصت و سه عرب مسلح به بهانه زیارت وارد ایران می شوند انگلیسها این فعالیتها را که ساخته و پرداخته خود آنهاست دست آویز قرار می دهند . در بصره قوای نظامی پیاده می کنند ، کشتی های جنگی و رزمناو (نوفلك) به خلیج فارس می آید .

قوام به یکبار متوجه وخامت اوضاع می گردد ناگزیر تسلیم پیشنهادات سران نهضت جنوب می شود نخست کاری که می کند ترمیم کابینه و بیرون گذاشتن سه وزیر کمونیست از دولت بود .

حال تنها قدرتی که از کمونیستها در دولت باقی مانده بود مظفر فیروز و زرم آرا بود که هر کدام با زیرکی خاص خود می خواست از موقعیت دیگری استفاده کند .

به نوشته ارفع : سیاست ماجرا جویانه فیروز حدوحصر نداشت و ابا اینسوقوام نیز خواب ریاست جمهوری را می دید رزم آراد چنین لحظه ای حساس دریافت باید کدام سو رود ، شاهنشاه ایران که متوجه دسایس قدرت طلبان بود روی خوش به رزم آرا نشان داد وی نیز خجولانه خود را به زیر حمایت فرمانده کل قوای ایران کشید ، به شدت علاقمند به رژیم نشان داد، سیاست خشنی با آشوبگران سرخ پیش گرفت ((۱)).

مظفر مثل خوک تیر خورده به دستور سیمرخ دنبال نقشه خطرناک دیگر رفت تا تتمه آبروی کمونیستها را در ایران ببرد .

(حال که او در رأس ستاد ارتش بهما خیانت کرد اشکالی ندارد خود ما دست بکار می شویم با اینهمه پایگاههای سیاسی که در شمال داریم کار را با خونریزی بیشتر به انجام خواهیم رسانید) .

نقشه انقلاب سرخ در کمیته ای با شرکت فیروز و پیشه‌وری و رضا رهستا و ایرج اسکندری طرح شد بعدها با کشف اسناد و اوراق از خانه رضا روستا رهبر کارگران توده که شاید از مدتها پیش رنود جای آنها را می دانستند پرده از روی حقایق و جزئیات نقشه انقلاب سرخ برداشته شد .

طبق این نقشه قرار بود در روز معین در شهرستانهای شمالی کودتا شود؛ جزئیات این نقشه از جهت قطع روابط مخابراتی و مواصلاتی و ویرانی پلها و تونلها و مراکز نظامی به خوبی طرح شده بود .

کشف مواد منفجره از خانه مأموران انتخایی کمیته و دستگیری آنان پرده از روی افدیشه‌های خطرناک فیروز برگرفت .

کمیته ترور به نام (اسپانتوم) تشکیل و لیستی از اسامی مخالفان تهیه شده بود که باید نابود گردند، این خود به خوبی نقشه از روی مقاصد آنگلو- کمونیستی فیروز برمی گرفت . اوراق و اسناد تحویل شعبه ۱۵ بازپرسی شد و فیروز تحت تعقیب قرار گرفت .



کابینه قوام ، فیروز

ولی چه کسی جرأت داشت کوچکترین اقدام علیه فیروز بکند بخصوص در این روزها روزنامه « تریبون دوناسیون » نوشت :

(بر اساس قرارداد محرمانه مظفر باپیشه‌وری ... بناست رژیم ایران جمهوری شود قوام در رأس رژیم قرار گیرد (۱) ولی با همه موافقت سادچکیف، کرملین زیر بار این پیشنهاد نمی‌رود. در چنین لحظه حساس تاریخی گروه کمی با جدیت در راه استقلال ایران و جلوگیری از جدایی آذربایجان بیرون کردن قوای سرخ از ایران می‌کوشیدند، آمریکانیز با چهره مخالف و تندی گام پیش گذاشت .

آن روزها ماوراء بحار هنوز چهره محبوب و قابل اعتمادی داشت سیاستمدارانی بشردوست و فروتن و درعین حال قدرتمند به مانند « روزولت » در رأس حکومت قرار داشتند .

اسناد (کنفرانس یالتا) نشان می‌دهد که آمریکا با چه قدرتی از حقوق ایران دفاع و به اعمال روسها اعتراض می‌کند کوشش‌های بی‌دریغ و بشر - دوستانه پرزیدنت روزولت در این روزها قابل ستایش است (۱).

۱- مجله خواندینها شماره مسلسل ۲۹۱ - ۳۰ خرداد ۱۳۲۶ .

1-XRoosevelt and the Russians the yalta Conference P.65 178-180.

« سر راجی بالذكلارك گر » سفیر کبیر ایالات متحده در ایران یادداشت شد بدالالحن ۲۶ نوامبر ۱۹۴۶ دولت متبوع خود را تسلیم دولت شوروی کرد، مصرانه و با قدرت از روسها خواسته شد ایران از نیروی نظامی تخلیه شود، دست از دخالت در امور آذربایجن بردارند.

« ایدن » وزیر خارجه بریتانیا به پیروی از سیاست آمریکا به «مولوتف» در کنفرانس یالنا اعتراض کرد و از حقوق ایران جانبداری نمود (۲). رادیوها و روزنامه‌های آمریکا و بریتانیا به ویژه « واشنگتن پست » ایونینگ ، نیویورک تایمز ، اکونومیست ، پرویدانس جرنال ، تایمز . اینکو آیر و به دنبال آن کنفرانس نیویورک روسیه را در مقابل متفقان جنگی خود قرار داد، به ویژه دست پر (عموسام) با بمب اتمی کفه دیپلماسی آمریکا را بر روسیه چرباند .

کار مظفر در تهران تمام شده بود چه او بانقش پوششی يك کمونیست انقلابی تمام پایگاههای روسها را بهم ریخته فرشته (پرولتاریا) حامی کشور های ضعیف را از بالای تخت احترام بز زیر کشیده او را بعنوان امپریالیسم سرخ معرفی کرده بود، بنابراین به جهات گوناگون باید تهران را ترك گوید و بهتر است باز روی شخصیت او کار شود تا در مقام جدید بتواند بقیه نقش خود را به خوبی ایفا کند .

قوام کاملاً درك می کرد دیگر وجود او در دولت بعنوان معاون نخست وزیر خطر بزرگ برای او دارد ، به او گفته شد اگر این عنصر موذی در ایران باشد باز برای تخریب و فساد بیکار نخواهد نشست، باید از تهران برود. قوام با همه دلخوری که از پسر نصرت الدوله داشت نبوغ پلیتکی او را برای حفظ خود لازم می دید؛ حاضر شد با ترمیم کابینه جای او را عوض کند به وزارت اقتصاد گمارد ، ولی فشار از همه سو او را مجبور کرد حکم سفارت کبیرای ایران در مسکو برای او صادر گردد .

فیروز وزارت خارجه را واداشت به نامزدی او برای سفارت اعتراض کند؛ ولی قوام به اجبار در حاشیه نامه اعتراضیه نوشت (اعتراضات وارد نیست ایشان حتماً باید به مسکو عزیمت نمایند زیرا در حال حاضر می بایست نماینده قابل اعتمادی ! در مسکو داشته باشیم و از ایشان بهتر کسی نیست (۱) .

فیروز قول داده بود که اگر در تهران بماند مقاله نامه نفت را از مجلس خواهد گذرانید آذربایجان را برای روسها حفظ خواهد کرد .

۱- سیاستمداران جیره خوار صفحه ۸۱ و ۸۲ .

علیرغم این قرارداد ، فشار خارجی برای بیرون کردن فیروز زیاد شد ، این اقدامات برای موقعیت جدید او لازم بود تا مسکو مظفر را بعنوان يك رهبر انقلابی و کمونیست تبعید شده با آغوش باز بپذیرد .
فیروز بعد از صدور حکم تمارض کرد حرکت خود را از تهران عقب انداخت . اینجا بود که برای حفظ استقلال ایران لازم بود سیاست شدیدتری پیش گرفته شود ، قوام السلطنه ناگزیر از فرماندار نظامی تهران خواست معاون سابق و سفیر فعلی دولت او را بازداشت کند . ولی در قساموس سیاست اینکار بسیار زنده و بی سابقه بود از اینرو وقتی قوام به اجبار تهران را به قصد لاهیجان ترك می کند بطور خصوصی به فیروز می نویسد : « توقف شما لطمه به حیثیت شما خواهد زد بهتر است فوراً ایران را ترك کنید . »

اینچنین مظفر راه مأموریت جدید را پیش می گیرد ایران را ترك میکند .
با بیرون رفتن فیروز و زمینه سازی لازم ، ارتش ایران راه آذربایجان را پیش می گیرد ولی فیروز در مسکو نیز دست از تحريك بر نمی دارد (فریاد می کشد حمله به فرقه دموکرات و بازگشت ایالت آذربایجان به ایران به مثابه انتحار برای ارتش و هیأت حاکمه و ملت ایران است .)

بنا به اعتراف فریدون ابراهیمی دادستان حکومت پیشه‌وری (فیروز در لحظات آخر جدایی آذربایجان با تلگرافات محرمانه پیشه‌وری را به ایستادگی در برابر ارتش تشویق می کرد و قرار بود در جلفا با پیشه‌وری ملاقات کند (۱) .)

سویت فیل یا آنگلو فیل

این اقدامات وسیع سبب گردیده است که گروهی از نویسندگان و سیاستمداران پسر نصرت الدوله و دست پرورده استعمار را از عاملان کمونیسم معرفی کنند « دکتر ژرژ لسنروسکی » وابسته پیشین مطبوعاتی لهستان در تهران و استاد علوم سیاسی در کالج هامیلتون در کتاب (نهضت کمونیستی در ایران) پس از شرح نقش فعالانه عمال کرملین مظفر فیروز را هواخواه دو-آتشه روسیه و یک (سویت فیل (۳)) معرفی می کند .

روزنامه المصور چاپ مصری نویسد : (مظفر فیروز اخبار جلسات هیأت وزیران را به روسها خبر می داد (۲) ولی خبر درست آن همان است که

۱- روزنامه صدای مردم نقل از شماره مسلسل ۲۹۰-۲۶ خرداد ۱۳۲۶

خواندنیها .

۲- مجله محیط ، محیط طباطبائی ۱۳۲۶ .

۳- خواندنیها شماره مسلسل ۲۴۹ - ۱۲ بهمن ۱۳۲۵ .

روزنامه ایران ما گزارش می‌کند: (آقای ایرج اسکندری در مسافرت اخیر خود در پاریس در حضور آقای گنجی مدیر بابا شمل در منزل ایشان برای ما نقل می‌کرد ... در موقعی که همسایه شمالی ایران درخواست واگذاری فرودگاههای هوایی کرده بود رئیس اداره شرق وزارت خارجه روسیه در تهران روسیه در تهران که برای چنین کار آمده بود هیأت دولت درخواست شورویها را مورد بحث قرار داد و چون تقاضای مزبور را بادرخواست اعلامیه شیکاگو که دولت ایران خود یکی از امضاء کنندگان آن اعلامیه است مخالف دیدمن (ایرج) و سر لشکر محمد حسین فیروزمأمور شدیم که در وزارت راه مهمان تازه وارد را ملاقات کنیم ضمن ابراز کمال علاقمندی دولت به استحکام روابط حسنه بین دو کشور ایران و شوروی دوستانه اشکال قضیه را به او بگوئیم؛ اما پیش از آنکه ما لب بگشائیم فرستاده مخصوص مسکو تمام جریانات جلسه هیأت وزیران را که شب قبل واقع شده بود، مو به مو مطلع بود باز گو کرد. و جای تردید برای هیچکس باقی نماند که مظفر مطالب مربوط به آن جلسه را عیناً گزارش داده است و در مورد اعتراض دولت ایران به کشتی‌هایی که انگلیسها در حوالی آبهای ایران آورده بود تمام مطالب و مذاکرات کابینه را به سفارت انگلیس خبر می‌داده است (۱).

چیرگی حریف

و اما صرف نظر از این مدارك پنهانچه بخواهیم بنا يك تحلیل سیاسی به نتایج کار فیروز نگاه کنیم خوبست موقعیت نیروهای سیاسی بیگانه را پیش از کابینه قوام و فیروز و پس از آن بشکریم تا ببینیم نتیجه حوادث و رویدادها به سود چه کسی پایان یافته است.

پیش از قوام احزاب ملی و ضد امپریالیستی و دستجات وابسته به جناح کمونیست و روزنامه‌ها و مراکز تبلیغاتی و مطبوعاتی همه بزبان استعمار سیاه بودند.

دستجات راست و مراکز امپریالیستی پایگاههای خود را در همه جا از هر جهت از دست داده بودند.

۱- مجله خواندنیها شماره ۱۸۸ صفحه ۹- تاریخ ۹ خرداد ۱۳۲۶.